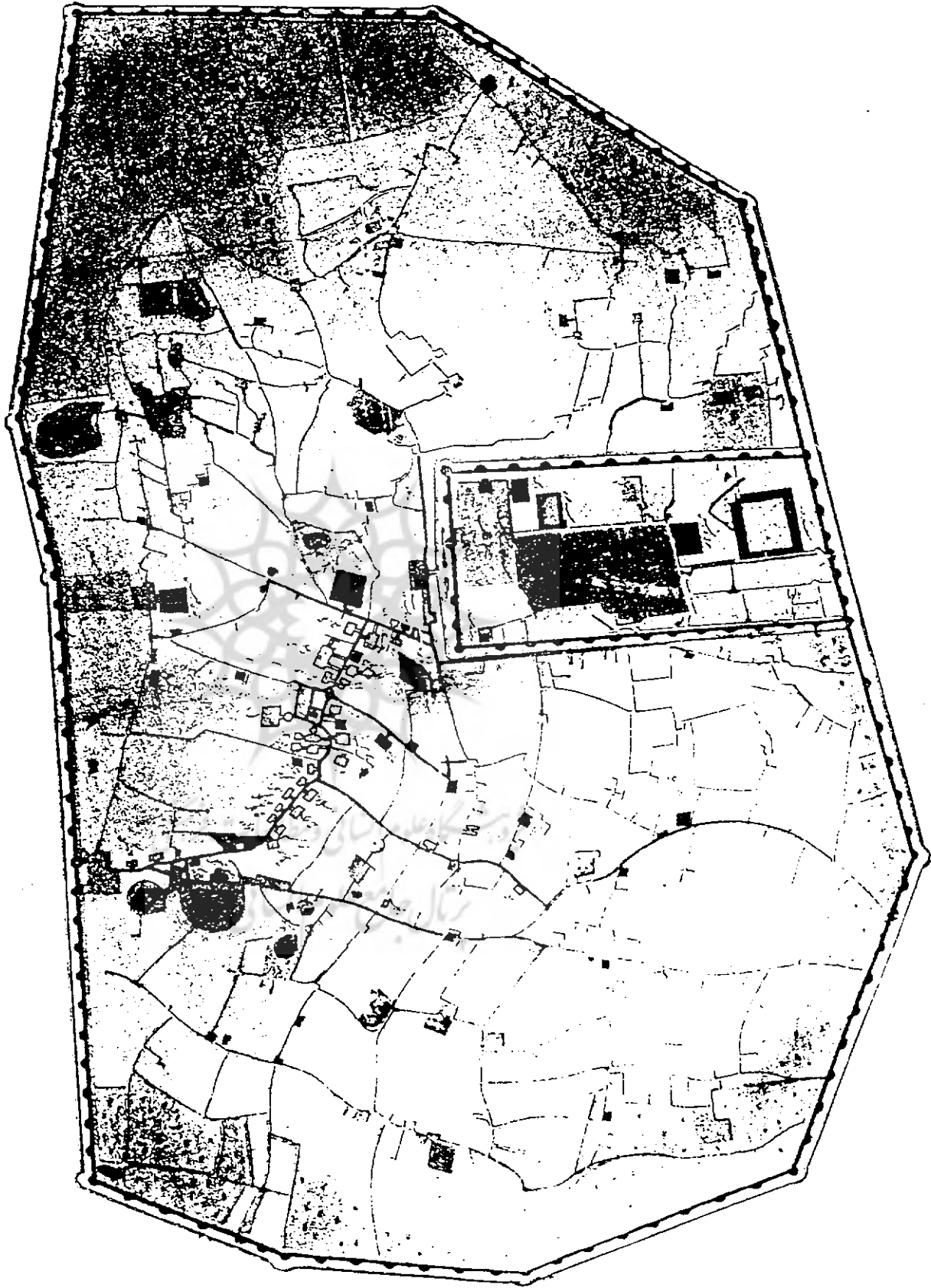


## اولین نقشه رسمی تهران، بازگویی فرهنگ شهری ایران در سده نوزدهم

«چشم از دیدن یک نقشه بیشتر می آموزد تا گوش از شنیدن یک سخنرانی طولانی». از توماس فولر، واعظ انگلیسی در قرن هفدهم

قدیمی ترین نقشه ای که از شهر تهران (طهران)<sup>۱</sup> به جای مانده نقشه ساده دست نگاری هست که در سال ۱۸۵۲<sup>۲</sup> به وسیله شرق شناس روسی ایلیا نیکلای ویچ برزین (Ilya Nikolayvitch Berezin) ترسیم شده است. نامبرده همان کسی است که مجلد اول جامع التواریخ را با دقت و صحت قابل توجهی در فاصله سالهای ۱۸۸۵ تا ۱۸۸۸ در سن پترزبورگ (St. Petersburg) روسیه به چاپ رسانید. اصل این نقشه در کتابخانه کاخ گلستان محفوظ است، و تا آن جا که نگارنده اطلاع دارد، در ایران یا مغرب زمین منتشر و شناخته نشده است. ولی ممکن است در بعضی نشریات روسی به صورتی محدود نشر شده باشد. در این نقشه حصار تهماسبی گرداگرد شهر طهران و نیز حصار داخلی محله ارگ نموده شده است. (منبع ۱- صفحه ۱۲)، تصویر ۱ نقشه مزبور را نشان می دهد.

جدا از نقشه ساده بالا در دوره سلطنت ناصرالدین شاه دو نقشه مهم و رسمی از شهر طهران ترسیم شده است. اولین نقشه معروف به نقشه کریشش است (August Krziz) که در اوایل دوره ناصری تهیه شد و در سال ۱۸۵۷ در طهران به چاپ رسید. این نقشه شهر طهران را در اواسط قرن نوزدهم و تقریباً به وضعی که در زمان فتحعلی شاه و محمد شاه بوده، نشان می دهد (تصویر ۲). دیگر نقشه عبدالغفار نجم الملک است که پس از توسعه شهر و در اواخر دوره ناصری ترسیم شد و به طبع رسید.



تصویر ۱: نقشه طهران، ترسیم ایلیا بیگلاری و بیج برزین، ۱۸۵۲ م. که اصل آن در کتابخانه قصر گلستان محفوظ است

پیش از شرح و بررسی نقشه کِریشش لازم است به تأسیس مدرسه دارالفنون در طهران اشاره شود.

وقتی ناصرالدین شاه در سال ۱۸۴۷ (۱۲۶۴ قمری) در نوجوانی به پادشاهی رسید، میرزا تقی خان فراهانی را با عنوان امیرنظام و اتابک اعظم به صدارت گمارد. میرزا تقی خان بعداً به امیرکبیر شهرت یافت. او مردی مطلع و کارآمد بود و طی چهار سال زمامداری به اصلاحات متعدد و مهمی دست زد. از جمله در سال ۱۸۴۸ اقدام به تأسیس مدرسه ای دانشگاه مانند در داخل ارگ دارالخلافة نمود که به مدرسه دارالفنون معروف شد. کارهای ساختمانی بنای مفصل دارالفنون از سال ۱۸۴۹ (۱۲۶۶ قمری) طبق طرح میرزا رضا مهندس و زیر نظر محمد تقی خان معمار باشی آغاز شد (منبع ۲- صفحه ۶۹۳) و در سال ۱۸۵۰ (۱۲۶۷ قمری) به پایان رسید و سال بعد از آن یعنی ۱۸۵۱ افتتاح گردید. ولی بانی این مؤسسه فرهنگی، امیرکبیر، چند ماهی قبل از مراسم افتتاح در قریه فین کاشان به دست مأموران شاه به قتل رسید و نتوانست نتیجه کار خود را مشاهده کند. در این مدرسه عالی رشته های متعددی مانند پزشکی، ریاضیات، فیزیک، شیمی، معدن شناسی، فنون نظامی، زبانهای فرانسوی و انگلیسی و روسی تدریس و تعلیم می شد. مدرسه دارالفنون سالیان درازی به کار خود ادامه داد تا در زمان رضاشاه در سال ۱۹۳۴ (۱۳۱۳ شمسی) که با تأسیس دانشکده فنی و سپس دانشکده افسری، رشته های مهندسی و نظامی به این دو مدرسه جدید انتقال یافت. از آن پس مدرسه دارالفنون در همان ساختمان زیبای سنتی خود به یکی از مهمترین دبیرستانهای پایتخت تبدیل شد، و تا به امروز دایر است.

وقتی دارالفنون به سبک اروپایی در ایران تأسیس شد، نظر بر این بود که از نفوذ روسیه و انگلستان در این مؤسسه نوبنیاد اجتناب شود. به این سبب شش نفر استاد خارجی به عنوان معلم و مربی به ویژه برای تعلیمات نظامی از امپراتوری اتریش-هنگری استخدام شدند. یکی از این معلمین آگوست کِریشش متولد ۱۸۱۴ در شهر تابور (Tabor) در کشور چک (Czeck) بود که در آن زمان جزئی از امپراتوری اتریش-هنگری محسوب می شد. وی که افسر توپخانه بود و درجه سرگردی داشت از ۱۸۵۱ تا ۱۸۵۹ در خدمت دولت ایران باقی ماند و با کمک مترجم خود میرزا زکی خان به خدمات مهم فنی و فرهنگی توفیق یافت. کرشش معلومات زیادی در ریاضیات و علوم طبیعی داشت و به آشنایی با کشور و مردم فوق العاده علاقه مند بود. او در اندک مدتی برای هر یک از دروس خود کتابی درسی با تصاویر و جدولهای لازم تهیه کرد، و با تأسیس توپخانه جدیدی قورخانه نوینی را پایه گذاری نمود. وی اولین خط تلگراف را در ایران با برقراری ارتباط میان کاخ شهری



شاه و باغهای سلطنتی حومه شهر دایر ساخت، و بنا به گفته او تمامی وسایل لازم برای این طرح در داخل کشور فراهم گشت. علاوه بر آن به تعیین فاصله های طولانی به وسیله محاسبات مثلثاتی (Trigonometry) دست زد، و از جمله ارتفاع کوه دماوند را اندازه گرفت.

ولی اقدامی که در آن به راستی پیشگام بود، تهیه نخستین نقشه رسمی شهر طهران و اولین نقشه حومه شهر بود. ناصرالدین شاه به این افسر اتریشی به پاس خدماتش درجه سرتیپی داد، و دولت اتریش وی را به دریافت مدال درجه اول دانش و هنر مفتخر ساخت. کیشش بعد از خاتمه خدمتش در ایران به اتریش باز گشت و دوباره وارد خدمت ارتش شد، و بقیه عمر خود را با همان درجه سرگردی دولت امپراتوری اتریش به سر آورد و سرانجام در سال ۱۸۸۶ در هفتاد و دو سالگی در شهر خرودیم (Chrudim) در کشور چک درگذشت.

به نظر می رسد که در همان اوایل استخدام کرشش، امیرکبیر او را به ترسیم نقشه شهر طهران ترغیب کرده باشد، چه وقتی میرزا تقی خان جوان مقیم تبریز و در خدمت ولیعهد (ناصرالدین شاه بعدی) بود، کمیسیونی به منظور تعیین مرزهای قطعی ایران و عثمانی که همواره مورد اختلاف بود، با حضور نمایندگان دو کشور و نیز نمایندگان روس و انگلیس به عنوان حکم و میانجی تشکیل شد. کمیسیون مزبور چند سالی به کار خود ادامه داد، و میرزا تقی خان از طرف دولت ایران در نشستهای کمیسیون مزبور که بیشتر در ارزروم (ارض روم) تشکیل می شد، شرکت داشت، و در مقابل فشار عثمانیها از منافع کشور ایران با فراست ذاتی خود به نحوی شایسته دفاع کرد، و این خود از خدمات مهم وی محسوب است. در این جریان او شاهد و ناظر تهیه نقشه های دقیق مرزی به وسیله نقشه نگاران انگلیسی و روسی بود و توجه داشت که این نقشه ها تا چه اندازه گویاتر و دقیق تر از نوشته های طولانی و پیچیده است. نگارنده بر آن است که آن نقشه ها توجه امیرکبیر را به عمل و اهمیت و ارزش نقشه های جغرافیایی جلب کرده بود، و شاید به همین سبب وی مشوق کرشش به ترسیم نقشه شهر طهران بوده است.

کرشش برای ترسیم نقشه مورد نظر با مشکلات قابل ملاحظه و پیش بینی نشده ای روبه رو شد، چه بافت شهر طهران با کوچه های تنگ و پر پیچ و خمش با عمل نقشه برداری سازگار نبود. علاوه بر آن، ورود به خانه ها و حتی کوچه ها، به ویژه اندرونی منازل، برای افراد بیگانه، مخصوصا اگر مسلمان نبودند، امکان نداشت. تنها با صدور فرمان خاص از طرف مقامات عالیة کشور بود که این مانع برطرف گشت. ولی کرشش ناچار شد خود را

از اجرائیات نقشه برداری کنار بکشد و دو نفر از دانشجویان خود را به نامهای ذوالفقار بیک و محمدتقی که مسلمان بودند، برای نقشه برداری بفرستد. باوجود این، مردم به کار بردن وسایل فنی را به هر ملاحظه ای که بود، تحمل نمی کردند. ناچار اندازه گیریها با قدم انجام شد و دقیق نبود. این نقشه بعد از ترسیم با چاپ سنگی (Lithography) در طهران در سال ۱۸۵۷ تکثیر شد، و صرف وجود چنین نقشه ای موجب تحسین و اعجاب معاصران گردید. متأسفانه از این نقشه که رنگی و نوشته های آن فارسی است، چند نسخه بیشتر باقی نمانده است که در بعضی مجموعه ها و کتابخانه های مهم در ایران و اروپا نگاهداری می شود. در سال ۱۹۷۷ این نقشه به صورت سواد عکسی (Facsimile) با شرحی به قلم هلموت اسلابی (Helmut Slaby) اتریشی در شهر گراتس اتریش تکثیر شده است.

با ملاحظه و دقت در جزئیات این نقشه به آسانی می توان استخراج کرد که مساحت شهر طهران در اواسط قرن نوزدهم ۴ کیلومتر مربع یا کمی بیشتر بوده است. طول متوسط شهر از شرق به غرب حدود ۲/۵ کیلومتر و عرض متوسط شهر از شمال به جنوب حدود ۱/۶ کیلومتر و طول باروی دور شهر که شش دروازه و ۱۱۴ برج داشته، حدود ۸ کیلومتر بوده است. دیوار یا باروی دور شهر را به حکم شاه تهماسب اول (۷۶-۱۵۲۳) در سال ۱۵۵۳ (۹۶۲ قمری) ساختند، و به عدد سوره های قرآنی، ۱۱۴ برج به فاصله متوسط ۵۰ متر از هم بنا نمودند. زیر هر برجی یکی از سوره های قرآنی را برای تبرک و تیمن دفن کردند. این بارو به حصار تهماسبی معروف شد، و در آن زمان چهار دروازه بر آن ساختند و خندق دورادور آن حفر کردند (منبع ۴، صفحه ۱۵ - منبع ۶، صفحه ۱۳۷۳۲ - منبع ۷، صفحه ۶۹۰).

به نظر می رسد که دورادور شهر را ظاهراً برای دفاع و بیشتر برای برگردان سیلاب. خندق عریضی ساخته بودند، چه شیب زمین از شمال به جنوب قابل ملاحظه بوده است. به غیر از ارگ سلطنتی، شهر دارای چهار محله به نام عودلاجان، چال میدان، بازار، و سنگلیج بوده است. در شمال دروازه دولت ارگ سلطنتی را به خارج مربوط می کرده، و دروازه شمیران محله مرفه تر عودلاجان را به بیرون شهر می پیوسته است. در شرق دروازه دولاب محله محقرتر چال میدان را به خارج راه می داده است. در جنوب محله تجاری بازار به وسیله دروازه شاه عبدالعظیم به خارج راه داشته و دروازه محمدیه در جنوب و دروازه قزوین در غرب محله جدیدتر و بزرگتر سنگلیج را به جنوب و غرب می پیوسته است.

\* ارگ سلطنتی کوچکترین محله شهر ولی زیباترین و مرفه ترین محله بوده و به صورت مربع مستطیلی به ابعاد شرقی - غربی ۴۰۰ متر و شمالی - جنوبی ۷۰۰ متر ساخته

شده و حدود ۲۸۰۰۰۰ متر مربع مساحت داشته است. این محله از سه طرف به وسیله حصار داخلی محدود، و در طرف شرق و جنوب به وسیله دو دروازه داخلی به محله عودلاجان و بازار مربوط بوده است. در این محله علاوه بر کاخها و باغها و استخرهای سلطنتی مانند عمارات و باغ سلطانی و عمارت مهدعلیا و تالار الماس و غیره، انبار غله که بعداً قورخانه شد و مدرسه دارالفنون در قسمت شمالی، و انبار توپخانه و میدان بزرگ ارگ در قسمت جنوب قرار داشته است. بعضی ادارات مهم دولتی و منازل مسکونی مقامات مسؤول دولتی نیز در این بخش واقع بوده است.

\* عودلاجان که مرفه ترین محله مسکونی شهر محسوب بوده، در شمال شرقی شهر واقع و محله های کوچکتری را در خود جای می داده است، مانند محله عربها، محله شاه غلامان، محله حیاط شاهی، محله یهودیها، محله نو، محله باغ امین، محله سادات و غیره. منازل بسیاری از اعیان شهر در این بخش قرار داشته است. دکتر بروگش (Brugsch) آلمانی می نویسد که بهترین محلات از نظر آب و هوا و غذا و خوراکی محله عودلاجان است که تقریباً تمام قسمت شرقی شهر را شامل می شود. در این محله کلیمیان و زرتشتیان سکونت داشته اند (منبع ۴، صفحه ۳۶).

\* بازار محله تجاری و شامل چند میدان، چون میدان مال فروشها و میدان کاه فروشان، و کاروانسراهای متعددی بوده است. بازار امیر از سبزه میدان به جنوب امتداد می یافته، و سفارت انگلیس و منزل شخصی و باغ وزیر مختار در جنوب شهر قرار داشته است. در نقشه کرشش چال زنبورکخانه و کوچه آرامنه و جبه خانه (قورخانه) در دو طرف سبزه میدان ترسیم و نموده شده است.

\* در محله سنگلج باغهای بزرگی مانند باغ حاجی کاظم و باغ معیرالممالک و باغ شیخ موسی دیده می شود.

مقیاس این نقشه ۱:۲۸۸۰ و طول و عرض آن ۹۲ x ۷۶ سانتیمتر است که برای ترسیم جزئیات شهر مناسب است. در آن عصر طهران فاقد بناهای مجلل بوده و وضع بهداشت تعریفی نداشته است. برای تمامی سکنه فقط یک بیمارستان وجود داشته که دکتر یاکوب پولاک (Jacob Polak) پزشک اتریشی در سال ۱۸۵۳ تأسیس کرده بود. باغهای داخل و مجاور شهر که طبق برآورد کرشش حدود ۲۹۰۰۰۰ متر مربع مساحت داشته، تنها فضای مناسبی برای استراحت و تفریح و بهبودی بوده است. به دیگر سخن، از اصول شهرسازی که در آن عصر در اروپا به صورتی پیشرفته رعایت می شده، اثری در طهران قرن نوزدهم نمی توان یافت.

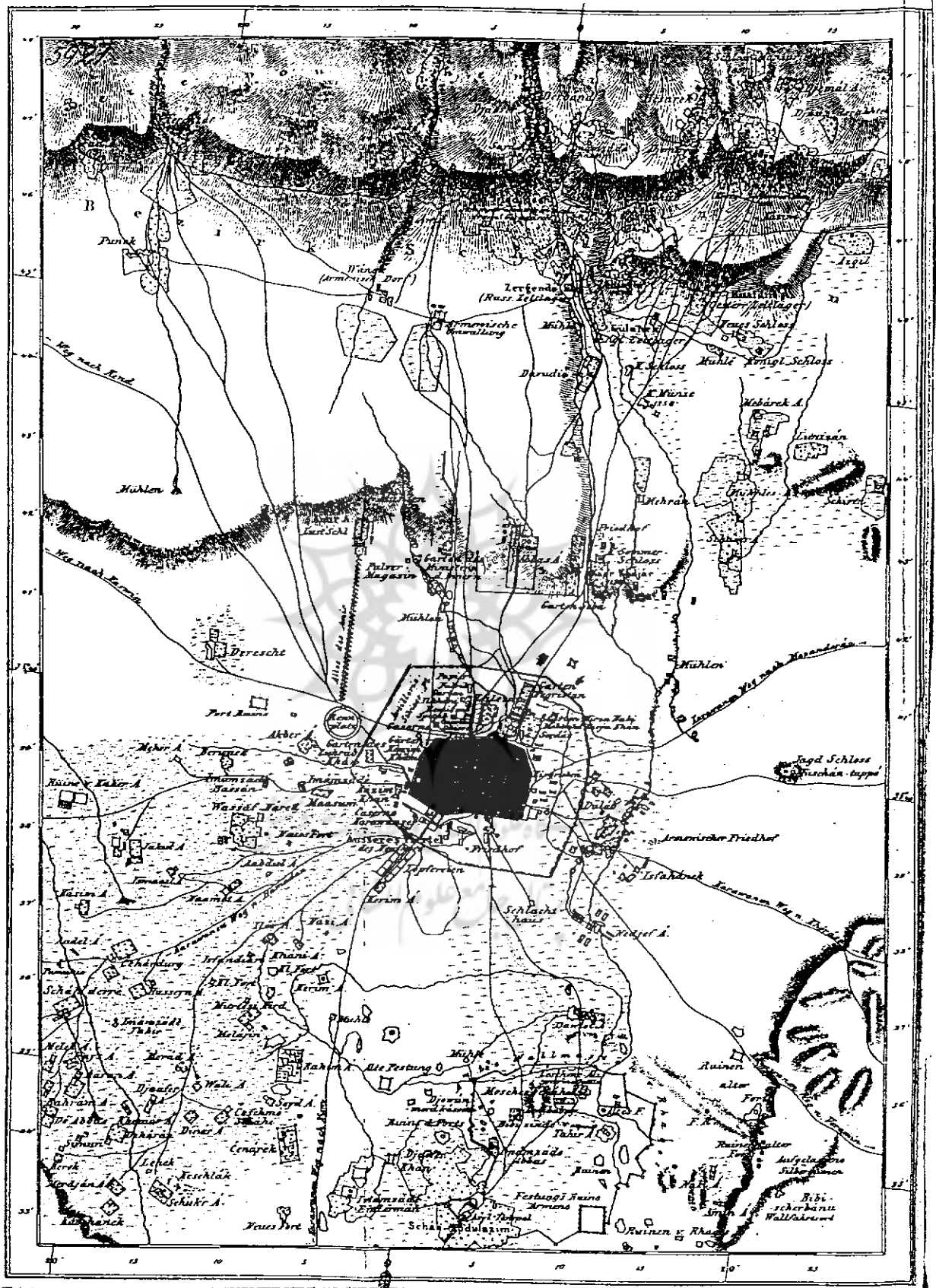
نقشه کرشش تا ترسیم نقشه نجم الملک که در سال ۱۸۹۱ یعنی ۳۴ بعد به چاپ رسید، تنها نقشه رسمی طهران محسوب است. دکتر پولاک در سال ۱۸۷۷ این نقشه و نقشه ای که کرشش از حومه طهران با کمک شش نفر از شاگردان مدرسه دارالفنون تهیه کرده بود، در یکی از مجله های جغرافیایی اتریش که در شهر وین منتشر می شد، به چاپ رسانید. (منبع ۵ و تصویر ۳) و چون در آن موقع (۱۸۷۷) شهر طهران توسعه یافته بود، برای اولین بار حدود این توسعه را با ترسیم خطی دور شهر قدیمی نشان داد. وی شرحی نیز ضمیمه این نقشه کرد. او در این شرح می نویسد که کوچه های شهر تنگ، غیر منظم و پیچ در پیچند، و جویهای باز خطری برای عبور اسب و حیوانات باربر به وجود می آورد. شهر دارای کاروانسراهای متعدد و بازار زیبایی ست، ولی ساختمان محکم و بزرگ به چشم نمی خورد. حتی مساجد نیز با مساجد اصفهان و شیراز و قم و کاشان قابل مقایسه نیست. باغهای زیبای چندی داخل و به ویژه خارج شهر موجود است، مانند باغهای نگارستان، لاله زار، نبی خان، و سردار. او جمعیت طهران را در سال ۱۸۷۳ یک صد هزار نفر گزارش می دهد.

از نظر انعکاس فرهنگ شهری ایران در نقشه کرشش چند نکته قابل ملاحظه است: نکته اول این است که فهرست علائم و اختصارات که در هر دو گوشه پایین نقشه آمده است، از جمله شامل زمینهای چال و پست، زمینهای بایر، خرابه های شهر، قبرستان و یخچال و البته امامزاده و مساجد و تکایاست. ولی از مؤسسات پیشرفته که در همان زمان در اروپا و حتی در عثمانی معمول و مرسوم بوده، مانند موزه، کارخانه، کتابخانه، نمایشخانه، ورزشگاه، مهمانخانه های جدید و امثال آن اثری نیست.

نکته دوم این که میدان نسبتاً وسیع ارگ در مقابل ساختمانهای سلطنتی و داخل حصار ارگ قرار دارد و سبزه میدان در مقابل بازار و خارج از این حصار واقع شده است. هر یک از این دو میدان عملکرد ویژه ای داشته است. یکی جلوخان دستگاه سلطنت و حکومت بوده، و دیگری آستانه شریانهای اجتماعی و اقتصادی شهر. این دو میدان به وسیله پلی چوبی که بر روی خندق ارگ ساخته بودند به یکدیگر متصل بوده، و نحوه قرارگیری این دو میدان در مقابل هم، یکی داخل حصار و دیگری خارج از آن، گویی نحوه ارتباط حکومت و مردم را در ساختار کالبدی شهر مجسم می کرده است (منبع ۲، صفحه ۶۹۲).

در ایران و بسیاری ممالک دیگر، از جمله کشورهای اروپایی تا قبل از دوره روشنگری، دولت و مردم دو مقوله به کلی مختلف و جدا از هم بوده اند. به دیگر سخن، دولت از مردم برنخاسته و مسؤول و جوابگوی ملت نبوده است. مردم بر این باور بودند که حکومت ویژه شاهان است که فرآیندی دارند و چون پیامبران نوعی برگزیده و فرستاده خداوندند،





تصویر ۳: طهران و حومه آن. ترسیم کیرش حدود سال ۱۸۵۷ م. چاپ اتریش، ۱۸۷۷ م.

ظل الله اند، و این فرآیند ارثی است. ضامن اجرایی سلطنت سپاهیانی بوده اند که می بایستی تنها به شاه خود وفادار باشند. مردم به کارهای روزمره خود می پرداخته و با شاه یا دولت قراردادی داشته اند که می توان آن را شبیه روابط رعیت و ارباب و یا کارگر و کارفرما دانست که منافع دو طرف گاهی همراه است و گاهی در دو جهت مخالف و مغایر قرار دارد. حصار داخلی دورادور محله ارگ با برج و بارو و خندقش نشانگر آن است که دولت از شورش و حمله احتمالی مردم شهر هراسان بوده و به تدابیر تدافعی روی آورده است. به همان وجهی که مردم از تجاوز دشمنان خارجی نگران بوده و برای حفظ خود دورادور شهر را حصار محکمی با برج و بارو و خندق ساخته بودند.

نکته سوم آن که بناهای مذهبی مانند مسجد و امامزاده و تکیه در داخل شهر، همه جا بین مردم موجود بوده است، و این نمایانگر آن است که با آن که مذهب نیز از مردم برنخاسته و جوا بگوی آنان نبوده است، ولی ضامن اجرایی آن تعلقات روحانی همین مردم بوده است.

ناظر پژوهنده وقتی به این نقشه می نگرد، تنها در چند لحظه نه تنها متوجه روابط متقابل سه عامل مردم و مذهب و دولت در آن زمان می شود، بلکه می تواند نکات بسیار دیگری را نیز استخراج کند که شاید از مطالعه کتابی قطور و یا به قول توماس فولر (Thomas Fuller) از شنیدن یک سخنرانی طولانی عاید نشود.

شرح توسعه شهر طهران در دوره ناصری و ترسیم و طبع نقشه پیشرفته عبدالغفار نجم الملک که دومین و آخرین نقشه طهران ناصری است، موکول به مقاله ای جداگانه است.

لندن - اکتبر ۲۰۰۲

#### یادداشتها:

- ۱- تا آخر دوران قاجاریه «تهران» را همه جا «طهران» می نوشتند. در زمان پهلوی ها که گرایش به فارسی نویسی شدت یافت آن را «تهران» نوشتند. طرفه آن که نگارش «اصفهان» را که پایه آن آسپادانا یا سپاهان است (دائرة المعارف فارسی غلامحسین مصاحب، جلد اول، صفحه ۱۶۲) تغییر ندادند و صورت معرف آن را نگهداشتند. چون این نوشتار مربوط به دوران ناصری است، نگارش منابع و مآخذ آن دوره یعنی «طهران» در این مقاله حفظ شد.
- ۲- سده ها و سده ها در این مقاله عموماً میلادی است، مگر آن که نوع دیگری ذکر شده باشد.

#### منابع و مآخذ عمده:

- منبع ۱- تهران در تصویر، پژوهش یحیی ذکاء و محمد حسن سمسار، جلد اول، نشر سروش تهران ۱۳۶۹ شمسی (۱۹۹۰).
- منبع ۲- پایتختهای ایران، محمد یوسف کیانی، ویراستار عبدالله فقیهی، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران

۱۳۷۴ شمسی (۱۹۹۵).

منبع ۳- نقشه طهران از آگوست کرشش، چاپ ۱۸۵۷، تجدید چاپ به کوشش هلموت اسلابی، ۱۹۷۷، گراتس، اتریش.

منبع ۴- سرگذشت طهران، امیرحسین ذاکرزاده، انتشارات قلم، تهران ۱۳۷۳ شمسی (۱۹۹۴).

منبع ۵- Mitteilungen der K. K. geogr. Gesellschaft. 1877, Vienna, Austria

منبع ۶- لغتنامه، علی اکبر دهخدا، دوره جدید، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، جلد نهم، عنوان «طهران»،

۱۳۷۳ شمسی (۱۹۹۴).

منبع ۷- دائرة المعارف فارسی، غلامحسین مصاحب، جلد اول، عنوان «طهران»، انتشارات فرانکلین، تهران

۱۳۴۵ شمسی (۱۹۶۶).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی